

خلاصه

تلفات افراد ملکی ناشی از منازعات مسلحانه در افغانستان روند صعودی را در سال ۲۰۱۰ طی نموده است. ثبت تلفات افراد ملکی توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر هیئت معاونت سازمان ملل متحد برای افغانستان (یوناما) نشان می دهد که به تعداد ۲۷۷۷ فرد ملکی در جریان سال ۲۰۱۰ کشته شده اند که این رقم ۱۵ درصد افزایش را نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان می دهد. در جریان چهار سال گذشته به تعداد ۸۸۳۲ فرد ملکی کشته شده اند و آمار کشته گان افراد ملکی هر سال سیر صعودی داشته است.^۱ بدتر شدن اوضاع جنگی و تأثیر جدی آن با لای افراد ملکی، ضرورت میرم را ایجاب می کند تا طرفین درگیر سعی لازم و کافی را جهت حفظ جان افراد ملکی روی دست گیرند. آنها می که در خانه ها و در بین جامعه ای شان در سال ۲۰۱۰ کشته و زخمی شده اند ممکن آمار ایشان بیشتر از آن چیزی باشد که ثبت گردیده است. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، عناصر مخالف دولت و نیروهای طرفدار دولت را در تقویت حفاظت افراد ملکی ترغیب نموده و از آنها می خواهند تا مطابق به مسؤلیت های قانونی شان تلفات افراد ملکی را به حد اقل رسانند.

افراد ملکی که در جریان جنگها کشته شده اند

از مجموع ۲۷۷۷ فرد ملکی کشته شده در سال ۲۰۱۰، ۲۰۸۰ (۷۵ درصد از مجموع افراد ملکی کشته شده) آنها توسط نیروهای مخالف دولت به قتل رسیده اند.^۲ و نسبت به سال ۲۰۰۹، ۲۸ درصد افزایش یافته است. حملات انتحاری و مواد انفجاری تعبیه شده (مین های کنار جاده و غیره) عامل بیشترین آمار مرگ و میر بوده، جمعاً ۱۱۴۱ یعنی ۵۵ درصد کشته شده گان منسوب به نیروهای مخالف دولت را تشکیل می دهد. مهیب ترین مسئله در سال ۲۰۱۰، ترور تعداد زیادی از افراد ملکی بود که توسط نیروهای مخالف دولت صورت می گرفت. در مجموع ۴۶۲ فرد ملکی ترور گردیدند که نسبت به سال ۲۰۰۹ بیشتر از ۱۰۵ درصد افزایش را نشان می دهد. نصف این ترورها در جنوب افغانستان صورت گرفته که ولایت هلمند شاهد افزایش ۵۸۸ درصد و ولایت کندهار افزایش ۲۴۸ درصد را در ترور افراد ملکی توسط نیروهای مخالف دولت در مقایسه با سال ۲۰۰۹ تجربه نموده است.

نیروهای دولتی و بین المللی باعث قتل ۴۴۰ (۱۶ درصد از مجموع آمار کشته شده گان) فرد ملکی بوده که ۲۶ درصد کاهش را نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان می دهد. در سال ۲۰۱۰ حملات هوایی بیشترین فیصدی کشته گان منسوب به نیروهای طرفدار دولت را تشکیل میدهد که در مجموع ۱۷۱ فرد ملکی (۳۹ درصد از مجموع کشته شده گان منسوب به نیروهای طرفدار دولت) بدین سبب کشته شده اند. همچنان قابل تذکر هست که آمار کشته شده گان در نتیجه حملات هوایی نسبت به سال ۲۰۰۹، ۵۲ درصد کاهش یافته است.^۳ ۹ درصد از کشته شده گان افراد ملکی در سال ۲۰۱۰ به هیچ یکی از طرف های درگیر بطور مشخص نسبت داده شده نمی تواند.

در مجموع دلایل روند صعودی تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۰، افزایش استفاده از مین ها، ترورهای که افراد مشخص توسط مخالفین دولت هدف قرار می گرفتند، و تشدید عملیات های نظامی بخصوص در جنوب افغانستان می باشد. هرچند حد اکثر جنگ ها در سال ۲۰۱۰ در جنوب و جنوب شرق افغانستان اتفاق افتاد، اما نا امنی و فراز و فرود جنگ، در مناطق

۱- بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در تحلیل ها و گزارش شان درمورد تلفات افراد ملکی، وقایع و حادثات را از اول جنوری تا سی و یکم دسمبر سال ۲۰۱۰ تحلیل و جمع آوری نموده اند. تنها آن حادثات قتل و جرح را در بر می گیرند که دفاتر ساحوی شان با دیدن مکان حادثه، مصاحبه گسترده با اشخاص متأثر و آزمایش مدارک به شکل فزینگی، بطورکامل تطبیق اطلاعات در سطح وسیع با منابع قابل اعتماد جهت واضح نمودن صحت و سقم حادثه، تحقیق و گزارش داده اند. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان ادعا نمی کند که آمار که در این گزارش گنجانیده شده، کامل هست. زیرا محدودیت های معین در روش جمع آوری اطلاعات و محیط عملیاتی ممکن باعث شده باشد که این دو نهاد تلفات افراد ملکی را کمتر گزارش داده باشد (به بخش روش شناسی مراجعه گردد)

۲- عناصر مخالف دولت شامل گروههای مسلح مخالف دولت و افراد با سابقه های مختلف بوده که انگیزه ها و ساختار فرماندهی اینها را به نام طالبان، شبکه حقانی، حزب اسلامی و القاعده مسمی نموده و القاعده در بین خود نیروهای چون جنبش اسلامی ازبکستان، اتحاد جهاد اسلامی، لشکر طیبه و جیش محمد که در خصومت ها علیه نیروهای دولتی و همکاران نظامی بین المللی شان دخیل هستند، را جا داده اند.

۳- هرچند آمار مجموعی قتل افراد ملکی در نتیجه حملات هوایی توسط نیروهای متحد دولت در سال ۲۰۱۰ در مقایسه با سال ۲۰۰۹ کاهش یافته بود اما در جریان سال ۲۰۱۰ کشته شدن افراد ملکی در اثر حملات هوایی روند صعودی داشته بدین معنا که در نصف اول سال ۲۰۱۰، ۶۹ فرد ملکی به اثر حملات هوایی کشته شده بودند در حالیکه در نصف دوم سال ۲۰۱۰، ۱۰۲ فرد ملکی در نتیجه حملات هوایی از بین رفته اند که این رقم ۴۸ درصد افزایش را در مقایسه به نصف اول

شمالی، شرقی و غربی مدام در حال گسترش بوده است.^۴ تمام مناطق افغانستان به استثناء منطقه شرقی در ارتباط به آمار افراد ملکی کشته شده با مقایسه ای سال ۲۰۰۹ حالت افزایشی داشته است. شمال افغانستان شاهد تشدید جنگ در سراسر سال ۲۰۱۰ بود، بدین لحاظ آمار کشته شده گان منازعات در این حوزه ۷۶ درصد درمقایسه با سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. بخش های جنوب شرق و جنوب نیز سیر صعودی را به ارتباط ارقام کشته شده گان جنگ طی نموده و به ترتیب ۴۰ درصد و ۲۱ درصد در مقایسه ای سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است.

تأثیر جنگ بالای زنان و کودکان

جنگ در افغانستان، مدام اثر مخربی را بالای زنان و کودکان بجا گذاشته، این قشر بیشتر از سال ۲۰۰۹ کشته و یا زخمی گردیده اند. تلفات زنان و کودکان به ترتیب ۶ و ۲۱ درصد نسبت به سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. نه تنها آمار تلفات اینها در سال ۲۰۱۰ سیر صعودی داشته بلکه گسترش و تشدید جنگ بدین معناست که تعداد زیاد از زنان و کودکان به ضرورت های اساسی زندگی مانند مواظبتهای صحی و آموزش و پرورش دست رسی اندک داشته اند. عامل ۴۰ درصد مرگ زنان و ۴۴ درصد مرگ کودکان انفجار مواد تعبیه شده و حملات انتحاری می باشد، این ارقام نشان دهنده ای ۳۱ درصد افزایش در مرگ زنان و ۶۶ درصد افزایش در مرگ کودکان را نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان می دهد. عناصر مخالف دولت حتی هشت طفل را نیز به قتل رساندند. مرگ ۳۷ درصد زنان و ۲۹ درصد کودکان از مجموع کشته شده گان که ارتباط به نیروهای دولت و هم رزمان شان می گیرد را به حملات هوایی میتوان نسبت داد که این ارقام به ترتیب ۶۲ و ۷۲ درصد کاهش را نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان می دهد. در سر تاسر کشور به تعداد ۸ زن و ۹ کودک در نتیجه ای حملات شبانه متحدین دولت کشته شده اند. در نتیجه همچو حملات در مقایسه به بخش های دیگر افغانستان بیشتر کودکان در بخش جنوبی و بیشتر زنان در بخش جنوب شرقی به قتل رسیده اند.

افراد ملکی که در اثر جنگها مجروح گردیده اند

مجروحین ناشی از درگیریها در سال ۲۰۱۰ افزایش ۲۲ درصد را نسبت به سال ۲۰۰۹ نشان مید هد. در مجموع به تعداد ۴۳۴۳ فرد ملکی در سال ۲۰۱۰ مجروح گردیده که عناصر مخالف دولت مسؤل ۳۳۶۶ مجروح میباشند (۷۸ درصد از مجموع مجروحین) که نسبت به سال ۲۰۰۹، ۲۱ درصد افزایش یافته است. نیروهای دولت و هم دستان شان عامل مجروح ساختن ۴۰۰ (۹ درصد از مجموع مجروحین) فرد ملکی بوده که نشان دهنده ای ۱۳ درصد کاهش نسبت به سال ۲۰۰۹ می باشد و در نهایت ۵۷۷ نفر افراد ملکی مجروح (۱۳ درصد از مجموع مجروحین) به مرتکبین قابل تشخیص نسبت داده نمی شود.

به عهده گرفتن مسؤلیت حملات

کمیسوین مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما در سال ۲۰۱۰ آن حملات را که باعث تلفات افراد ملکی گردیده و یک طرف درگیر در منازعه در مورد پذیرش مسؤلیت نموده است، را تعقیب نموده اند. هدف این تلاشها این بوده بوده که پاسخ دهی در صورت تلفات افراد ملکی را که به طرفهای مشخص و گروه های مسلح نسبت داده میشود، توسعه بخشیده و ترویج روحیه حفاظت افراد ملکی را به حیث یک هدف با طرفهای مشخص، تعقیب نماید. کمیسوین مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما در ارتباط به مسؤلیت برای حملات، تعداد زیاد از تلفات افراد ملکی را در سال ۲۰۱۰ برجسته ساخته که هیچ یکی از طرفین درگیر یا گروههای مسلح مسؤلیت آن را به عهده نگرفته است.

^۴ - هر حوزه ساحوی ولایات زیر را در بر می گیرد: حوزه مرکزی شامل کابل، پنج شیر، کاپیسا، لوگر، پروان و وردک. حوزه شرقی شامل کنر، لغمان، ننگرهار، و نورستان. حوزه غربی شامل بادغیس، فراه، غور، هرات. حوزه شمالی شامل بلخ، فاریاب، جوزجان، سمنگان و سرپل. حوزه شمال شرقی شامل بدخشان، بغلان، کندز و تخار. حوزه جنوب شرقی شامل غزنی، خوست، پکتیکا و پکتیا. حوزه جنوب شامل هلمند، کندهار، نیمروز، ارزگان و زابل. حوزه مرتفع مرکزی یعنی هزاره جات شامل بامیان و دایکندی.

عناصر مخالف دولت

عناصر مخالف دولت از وسایل غیر قانونی جنگی که شامل تاکتیک های نا متوازن می گردد استفاده نموده، بویژه استفاده از مواد انفجاری تعبیه شده و حملات انتحاری که ظاهراً اهداف نظامی را هدف قرار میدادند اما به شمول حق زنده گی حقوق اساسی افغانها، قواعد اسلامی و اصول حقوق بین المللی بشر دوستانه را در رابطه با معیارهای تشخیص، تناسب و احتیاط در جنگ نقض نموده است.^۵ این تاکتیک ها باعث افزایش ارقام تلفات افراد ملکی گردیده، به شکل سیستماتیک در بین مردم ملکی وحشت ایجاد نموده و در تعداد زیادی از بخشهای که متأثر از جنگ بوده، دست رسی به وسایل ضروری زندگی را محدود ساخته است. افزایش زیاد در استفاده از مقادیر زیاد و اشکال پیشرفته مواد انفجاری تعبیه شده بطور نامتناسب افراد ملکی را متضرر ساخته است. در سراسر کشور ۲۱ درصد انفجارهای مواد انفجاری تعبیه شده و ۴۶ درصد حملات انتحاری منجر به تلفات افراد ملکی گردیده است.

حملات انتحاری ۱۱ درصد از مجموع مرگ افراد ملکی که به نیروهای مخالف دولت نسبت داده می شود و ۸ درصد از مجموع کشته شده گان سال ۲۰۱۰ را تشکیل میدهد که نسبت به سال ۲۰۰۹، ۱۵ درصد کاهش یافته است. همان طوریکه رقم حملات انتحاری در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در سطح مشابه بوده (تقریباً ۱۴۰ حمله در هر سال) این ظاهراً نشان می دهد که حملات انتحاری افراد کمتری را نسبت به سال ۲۰۰۹ از بین برده است.

عناصر مخالف دولت مسؤول قتل های هدفمند صدها فرد ملکی هستند، افراد و اقارب افراد که گمان می رفتند حامی دولت افغانستان و یا نیروهای بین المللی می باشند، مقامات بلند پایه حکومت در سطح ولایت مانند والی، ولسوال، اعضای شورای ولایتی، بزرگان مذهبی و مردمان عادی از قبیل داکتر، معلم، متعلمین و کارمندان بازسازی مورد هدف قرار می گرفتند و به قتل می رسیدند. عناصر مخالف دولت تعداد زیادی از افراد ملکی را به ظن جاسوسی، نسبت به هر دلیل واضح دیگر به قتل رسانیده اند که غالباً شکل قتل های خارج از حوزه محکمه (فرا قضایی) را بخود می گرفت. کمک رسانان، کارمندان مؤسسات غیر دولتی (داخلی و خارجی) و آنهای که بخاطر ترقی و رشد مردم کار می کردند در طول سال مورد هدف قرار می گرفتند. آنها یا به قتل می رسیدند یا اختطاف میشدند و یا هم تاکتیک های تهدید آمیز دیگر در مورد آنها بکار گرفته می شد.

تأثیرات اجتماعی و روانی و نقض حقوق بشر در قبال قتل ها و ترورهای که صورت می گیرد به مراتب مخرب تر از کشته شدن یک فرد است. یک فرد که مصمم به راه یافتن به شورای ولسوالی هست یا می خواهد به سود کاندیدای مشخص کمپاین کند، می خواهد وظیفه ای را در یک نهاد که کارهای توسعه وی دارد احراز نماید یا دوست دارد آزادانه در مورد یک فرمانده ساحوی طالبان صحبت نماید، غالباً می داند که تصمیم شان نتایج احتمالی مرگ و زنده گی را بدنبال دارد. ترورها بدین معناست که افراد را از مستفید شدن از بنیادی ترین حقوق بشری شان یعنی زندگی و امنیت، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، انجمن، کار و آموزش و پرورش باز بدارد. این ممانعت و عدم استفاده افراد از حقوق شان بار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته، چون این روند تلاش های حکومت داری و توسعه را باز می دارند. نه نیروهای امنیتی افغان و نه قوت های نظامی بین المللی می تواند افراد ملکی را از ترورها حفاظت کند.

اختطاف های افراد ملکی در مقایسه با سال ۲۰۰۹، ۸۳ درصد افزایش یافته که ۱۳۷ نفر در سال ۲۰۰۹ و ۲۵۱ نفر در سال ۲۰۱۰ را تشکیل می دهد.

هرچند انتشار لایحه یا دستور عمل جدید توسط طالبان در ماه می ۲۰۱۰ مقررات مبنی بر کاهش تلفات افراد ملکی را شامل می شدند اما کمسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و بخش حقوق بشر یوناما هیچ تلاش هماهنگ شده ای را مبنی بر تحقق این فرامین توسط طالبان یا عکس العملی در مقابل آن فرماندهان یا اعضای طالبان که از این مقررات اطاعت نمی

۵ - تمامی طرفهای درگیر در افغانستان که تمام عناصر نیروهای مخالف دولت را نیز شامل میگردد، براساس مقررات بین المللی مسوولیت قانونی دارد تا از حمله بر افراد ملکی خود داری نموده و از اصول زیر اطاعت نماید: اصل تمیز: "طرفهای درگیر در تمام اوقات بین افراد ملکی و نیروهای جنگی فرق قایل گردد" و نیز "بین اهداف نظامی و ملکی". پروتوکول الحاقی ۱، ماده ۴۸. برای معلومات بیشتر به فقره ۲ ماده ۵۱ مراجعه گردد که میگوید "افراد ملکی هدف حمله نباید قرار گیرد" و فقره ۲ ماده ۵۲ که بیان میدارد "حملات باید دقیقاً به اهداف نظامی محدود باشد" اصل تناسب: "در حمله که قتل و جرح افراد ملکی، تخریب اهداف غیر نظامی یا ترکیب ازین دو را باعث می شود، اگر در مقایسه به آن هدف مستقیم و اصلی حمله نظامی آثار مخرب بیشتری را بر ملکی ها ایجاد کند موضوع نامتناسب بودن حمله مطرح می گردد." پروتوکول الحاقی ۱، جزء (ب) فقره (۵) ماده ۵۱. اصل احتیاط در حمله: "در اجرای عملیات های نظامی، مواظبت های پایدار جهت حفاظت افراد ملکی و اهداف ملکی مد نظر گرفته شود" و تمام اقدامات احتیاطی عملی بخاطر "جلوگیری، یا هر نوع تلاش که قتل و جرح افراد ملکی و تخریب اهداف غیر نظامی را به حد اقل می رساند" مد نظر گرفته شود" پروتوکول الحاقی ۱، فقره های (۱) و بخش (۲) جزء (الف) فقره ۲ ماده ۵۷.

کردند، را مشاهده ننموده و همچنان بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تعداد زیاد حملات نا متناسب و بدون تفکیک را در سال ۲۰۱۰ درج کرده اند که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده و طالبان مسؤولیت حمله را به عهده گرفته است.

نیروهای طرفدار دولت

هرچند تعداد نیروهای طرفدار دولت به ۱۰۷۰۰۰ نفر توسعه یافتند و این افزایش عملیات های نظامی را نیز به دنبال داشت، با آنهم تلفات افراد ملکی (کشته و مجروح) منسوب به نیروهای طرفدار دولت در مقایسه با سال ۲۰۰۹، ۲۱ درصد کاهش یافته است. به تعداد ۸۴۰ فرد ملکی کشته و مجروح (۱۲ درصد از مجموع کشته شده گان و زخمی ها) منسوب به نیروهای طرفدار دولت می باشد. با وجود افزایش حملات هوایی و حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه در سال ۲۰۱۰، تلفات افراد ملکی ناشی از این نوع حملات روند نزولی داشته که در ارتباط به حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه کاهش ۱۸ درصد به ثبت رسیده است.

تلاش های نیروهای نظامی بین المللی و افغان به هدف کاهش تلفات افراد ملکی در سال ۲۰۱۰ باعث شده تا افراد ملکی کمتر در مقایسه با سال قبلی توسط این نیروها کشته و زخمی گردد. در حالیکه در شمار نیرو های بین المللی و عملیات های نظامی در سال ۲۰۱۰ تزیید بعمل آمده است، از این کاهش در آسیب رساندن به افراد ملکی قدردانی میگردد.

تلفات افراد ملکی ناشی از حملات شبانه و دیگر تاکتیک های جنگی در سال ۲۰۱۰ کاهش یافته است، ظاهراً دلیل این کاهش همانا مقررات بود که در قالب رهنمود های متعدد تاکتیکی، روشهای عملیاتی استاندارد و رهنمود های نافذ در رابطه به عملیات های ضد شورش توسط نیروهای بین المللی روی دست گرفته شدند که استفاده از نیرو را محدود ساخته و در مورد حفاظت افراد ملکی تأکید به عمل می آورد. ولی هنوز هم نگرانی های در مورد تحقق کامل و هماهنگ روش ها و رهنمود های تاکتیکی در ساحه ای جنگی و نگرانی ها در زمینه تداوم فقدان شفافیت در تحقیقات و پاسخ دهی در مورد تلفات افراد ملکی وجود دارد.

حملات شبانه باعث ارقام بلند تلفات افراد ملکی نگردیده اما این عملیات ها مدام خشم و رنجش گسترده ای را در بین مردم افغانستان بجا می گذارد. به باور تعداد زیاد از مردم، نیروهای طرفدار دولت بخاطر عدم تعقیب عدلی و تحقیق شفاف و کارا برای بد رفتاری های که در جریان حملات شبانه انجام می دهند، از معافیت برخوردار می باشند. نگرانی های دیگر مانند عدم اطلاعات در مورد موقعیت اشخاص که در تحت توقیف قرار گرفته، ناتوانی در زمینه جبران خسارت برای آنها که حیات شان را از دست داده، مجروح گردیده و در موارد که تخریب ملکیت صورت گرفته، وجود دارد. غوارض جانبی دیگر که حملات شبانه به دنبال دارد، بدنامی خانواده متاثر شده بزرگان محل در بین مردم میباشد که گویا "از فامیل و خانه شان واریسی کرده نمیتواند".

با در نظر داشت شدید شدن جنگ، نیروهای طرفدار دولت نمیتوانند رهنمود های تاکتیکی و معیارهای را که استفاده از نیرو و حملات شبانه را تنظیم مینماید، رعایت نمایند. بازنگری مداوم، تحلیل و ارزیابی رهنمود های تاکتیکی و تطبیق آنها در ساحه، حفاظت افراد ملکی توسط نیروهای طرفدار دولت را بیشتر تقویت می بخشد.

طرح پولیس محلی در افغانستان

در ماه اگست سال ۲۰۱۰، حکومت افغانستان برنامه ایجاد پولیس محلی در افغانستان را روی دست گرفت. به عنوان طرح امنیت روستایی و تحت پوشش وزارت امور داخله تصمیم گرفته شد تا برای حفاظت جامعه از نیروهای مخالف دولت از طریق استخدام افراد محلی در قالب نیروی مسلح همراه با وظایف امنیتی محدود، اقدام صورت گیرد. این برنامه در حال حاضر برای جذب ۱۵۷۰۰ سرباز در ۶۱ ولسوالی اجازه میدهد که تا سطح ۳۰۰۰۰ سرباز در ۱۰۰ ولسوالی بالا برده شده میتواند. در سطح ولسوالی، پولیس محلی مستقیماً به قومندان امنیه گزارش می دهد. نیروهای ویژه امریکا بدون در نظر داشت نقش رسمی نظارتی، نقش مربی را داشته و قبل از تسلیم پولیس محلی افغان به نیروهای دولتی برای آموزش بیشتر، برای یک دوره ای محدود با بخشهای مربوطه کار میکند و آموزش می دهد.

بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، تأسیس و کارکرد پولیس محلی افغان را در حوزه های متعدد دیده بانی کرده اند. در حالیکه قبول میشود که از آغاز این کار چند ماه محدود میگذرد و ارزیابی درست آن مستلزم مدت زیادی میباشد، نگرانی های در مورد نظارت ضعیف و میکانیزمهای استخدام، بررسی، فرماندهی و کنترل، آموزش

محدود مستخدمین و کارایی گزارش دهی اینها به قومندان امنیه وجود دارد. این نگرانیها در ولایات کندز و بغلان، ولسوالی خاص ارزگان در ولایت ارزگان و ولسوالی کجران ولایت دای کنده مشاهده گردیده است. در ساحات دیگر که شامل ولسوالی پشت رود ولایت هرات، ولسوالی جاجی ولایت پکتیا و ولسوالی برمل ولایت پکتیکا می باشد، مردم در باره پولیس محلی در مناطق شان خوشبین بودند.

قابل یاد آوریست که صلاحیت، مسؤلیت و نقش پولیس محلی در ارتباط به بازداشت افراد، به شکل واضح تعریف نشده و در مورد توقیف های خود سرانه وضاحت داده نشده، و پروسه تسلیم دهی اشخاص بازداشت شده، شرایط بازداشت و پیشگیری از رفتارهای بد نیازمند تعریف می باشد. کمیسیون مستقل حقوق بشر، بخش حقوق بشر یوناما اصرار بر این دارد که نظارت شدید و بررسی در مورد تمامی عناصر پولیس محلی و نیز تأدیب فوری اعمال جرمی و سوء استفاده های پولیس محلی ضروری پنداشته می شود تا اطمینان حاصل گردد که این برنامه باعث کاهش حفاظت افراد ملکی نشده و زمینه بیشتر معافیت مهبانمی گردد.

عملیات های نظامی در جنوب افغانستان

در سال ۲۰۱۰، افزایش نیروهای بین المللی و عملیات های نظامی بر مناطق جنوبی تمرکز یافته بود. عملیات های گسترده جهت زدودن نیروهای طالبان از ولایت هلمند و ولسوالیهای اطراف شهر کندهار آزمون بزرگی منحنی استراتژی مبارزه با شورش پنداشته شده که بواسطه نیروهای دولتی و هم دستان شان دنبال می شد. طالبان با تلاش های رقابتی شدید در برابر گسترش کنترل حکومت با ابزار مختلفی که ترور افراد را نیز شامل می گردید، واکنش نشان دادند. ۴۱ درصد از مجموع کشته شده گان و مجروحین سال ۲۰۱۰ در مقایسه با تمام مناطق افغانستان در جنوب اتفاق افتاده است.

در جریان سال ۲۰۱۰، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان که موضوعات مربوط به حفاظت افراد ملکی در جنوب را به دقت نظارت و بررسی می کردند، به این نتیجه رسیدند که موضوعات مربوط به حفاظت افراد ملکی در جنوب خیلی مشابه با دیگر مناطق افغانستان است. مواد انفجاری تعبیه شده نسبت به تاکتیکهای دیگر، افراد ملکی را بیشتر تلف نموده و نیروهای دولتی و هم دستان شان عملیتهای مکرر را به شمول حملات شبانه انجام داده اند، هر چند روند تلفات افراد ملکی در ولایات هلمند و کندهار بطور برجسته متمایز بود. در ولایت هلمند تلفات افراد ملکی ناشی از جنگ های مسلح بین طالبان و نیروهای طرفدار دولت و ترورهای هدفمند به شکل حیران کننده ای ۷۸ درصد در مقایسه به سال ۲۰۰۹ افزایش یافته است. در حالیکه در ولایت کندهار ارقام کشته ها و زخمی ها فقط ۱۱ درصد در مقایسه با سال ۲۰۰۹ افزایش یافته. گرچند آمار تلفات افراد ملکی در کندهار پیش از این بالا بود. عملیات های تصفیوی توسط نیروهای طرفدار دولت در فیروزی سال ۲۰۱۰ در ولسوالی های مارجه و نادعلی ولایت هلمند که خشونت های شدید را نیز به دنبال داشت، در واقع بخش عمده و اساسی افزایش تلفات افراد ملکی را در ولایت متذکره تشکیل می دهد. برعکس عملیات های تصفیوی در ولسوالی های سرحدی شهر کندهار مانند ارغنداب، دند، پنجوایی و ژیری در بین ماه های جولای و نومبر ۲۰۱۰ منجر به بالا رفتن مشابه تلفات افراد ملکی نگردید، هر چند که این عملیات ها منجر شد تا ملکیت های مردم به مقیاس وسیعی تخریب گردد.

به هدف ترویج امنیت بهتر برای افراد ملکی در افغانستان در سال ۲۰۱۱، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، ملاحظات ذیل را در ارتباط عملیتهای مارجه و کندهار پیشنهاد می کند. تصمیم استراتژیک مقدماتی توسط نیروهای طرفدار دولت با گزینش یک ساحه ای جنگی مهم در محیط روستایی پر جمعیت در مارجه، بدون در نظر داشت موجودیت پولیس افغان و بالا بردن ظرفیت های حمایتی برای مردم، زمینه افزایش تلفات افراد ملکی را مساعد ساخته بود. تصمیم بر ایجاد پایگاه های متعدد نظامی و پوسته های پولیس در مناطق پر جمعیت قبل از پاکسازی کامل آنجا زمینه خطرات بالقوه را مهیا ساخت چون زد و خورد های مسلحانه بین طالبان و نیروهای دولتی به شکل روزمره افراد ملکی را متأثر می ساخت. ترور افراد ملکی توسط طالبان و استفاده از ملکیتها به حیث سپر انسانی، مشخصاً در مناطق پر جمعیت نه تنها از جمله تاکتیک های غیر قانونی به شمار میرفت بلکه نتایج مخربی را بر افراد ملکی بجا گذاشت.

این تفاوت در تلفات ملکی بین عملیات ها در ولسوالی مارجه و نادعلی و ولسوالی های اطراف شهر کندهار با وجود تشدید عملیتهای در کندهار، ممکن نتیجه درس های باشد که نیروهای طرفدار دولت در عملیات های هلمند آموخته بودند. در عملیات های کندهار دو عامل مرتبط به هم را می توان برجسته ساخت: نیروهای دولتی و همکاران شان مشوره های وسیعی را قبل از آغاز عملیات ها با مردم روی دست گرفتند و یک سلسله عملیات های کوچکتر در اطراف شهر کندهار به

راه انداخته شد. تعداد زیادی از عملیات ها در کندهار از قبیل پلان شده بودند یعنی در واکنش به حملات طالبان نبود که نیرو های طرفدار دولت در پاسخ دست به اقدام می زدند. علاوه بر حملات به شکل دقیق جنگجویان طالبان را هدف قرار میداد که در نتیجه تلفات افراد ملکی محدود بود.

بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان شاهد مقیاس گسترده ای تخریبات خانه ها، محصولات و سیستم آبیاری در حملات که در کندهار صورت گرفته بود، می باشد. تعداد زیادی از خانه ها به هدف از بین بردن مواد انفجاری تعبیه شده و تقویت پایگاه های دفاعی نیروهای متحد دولت خراب گردیدند. موثرهای نظامی بخاطر جلوگیری از آسیب مواد انفجاری تعبیه شده در سرکها، در کنار جاده ها رفت و آمد می کردند اما در این جریان، دیوار ها، باغها و سیستم های آبیاری را تخریب می نمودند. نیروهای متحد دولت ساختمان های را که بخاطر کشمش سازی ساخته شده بود به هدف این که مبادا نیروهای مخالفین از آن ساختمان ها به حیث سنگر استفاده کند، تخریب نمودند. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر سازمان ملل متحد با بزرگان ولسوالی ژیری و پنجوایی صحبت نموده و نگرانی های افراد ملکی را چنین جمع بندی نموده است: " تاکنون تمام عملیات های نظامی نتیجه منفی داشته، زیرا آنها خانه ها، باغها، و سیستم های آبیاری مردم را خراب می سازد. ما نمی دانیم که چه روشی در پشت این عملیاتها نهفته است." و "تصور کنید که من یک خانه کوچک و باغی دارم، اگر شما آن را در بدل آمدن صلح در آینده خراب می کنید، آنگاه این صلح چه خوبی را میتواند برای من داشته باشد."

در حالیکه نیروهای متحد دولت مواظبت های را بخاطر جلوگیری از تلفات افراد ملکی در عملیات های کندهار مد نظر گرفته بود، اما نورم های حقوق بین المللی بشردوستانه در مورد تعریف اهداف نظامی، تناسب و در نظر گرفتن احتیاط در حمله، چنین به نظر می رسد زمان که ملکیت های ملکی در خطر بودند به دقت اعمال نمی شدند.

این یک موضوع مهم هست که عملیات های تصفیوی در اطراف شهر کندهار در مقایسه با هلمند تلفات ملکی اندکی را بجا گذاشت. هرچند نتایج دراز مدت این عملیات ها برای مردم معطوف براینست که نیروهای متحد دولت امنیت با ثبات را در مناطق متذکره ایجاد نماید، اولویت بندی و وجوه کافی را برای باز سازی ملکیت های مردم اختصاص دهند. نتایج دراز مدت همچنان به طرفین درگیر و چگونگی اقدام آنها در جلوگیری از تلفات افراد ملکی در تابستان آینده و روند صعودی پیش بینی شده ای جنگها در کندهار و جلوگیری از تکرار بهار و تابستان ۲۰۱۰ مارچه ارتباط می گیرد. تعداد اندک ساکنین کندهار خوش بینی محتاطانه ای را درباره آینده شان ابراز نموده اند چنانکه یکی از بزرگان قوم از ولسوالی پنجوایی به بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در اکتوبر ۲۰۱۰ گفته بود که "ما می خواهیم شاهد امنیت در طول سال باشیم نه امنیت شش ماهه).

دست رسی به کمک های بشر دوستانه

افراد ملکی در جریان درگیری های مسلحانه به شدت متأثر گردیده، اینها نه تنها در یک فضای مملو از وحشت و دهشت گشته و مجروح گردیده بلکه بیجا شده گی، ویرانی و تخریب ملکیت، از دست دادن وسیله معیشت، نبود آزادی رفت و آمد و عدم دست رسی به وسایل اولیه زندگی مانند مواظبت های صحی، غذا، و آموزش و پرورش از جمله مشکلاتی بودند که افراد ملکی با آن دست و پنجه نرم می نمودند. بر اساس اطلاعات کمیشنری عالی سازمان ملل در امور مهاجرین به تعداد ۱۰۲۶۵۸ نفر در اثر درگیری های سال ۲۰۱۰ از خانه های شان بیجا شده اند. نا امنی و خشونت سد راه اصلی جهت کمک رسانی بوده که کمک کننده گان با توجه به اوضاع پرمخاطره نمی تواند به افراد نیازمند و اشخاص بیجا شده کمک نمایند. کمک کننده گان به این اشخاص و در محیط که اینها زندگی می کنند دست رسی ندارند و اوضاع افراد آسیب پذیر بدتر نیز می شود. حضور تعداد زیادی گروههای مسلح بر کمک های انسان دوستانه تأثیر منفی را بجا گذاشته چون سلامت کارمندان کمک های بشر دوستانه در تعداد زیادی از ساحات تضمین نمی شود.

نتیجه

چنانچه موضوع پروسه انتقال مسؤولیت امنیتی از نیروهای بین المللی به قوت های افغان در جریان سال ۲۰۱۱ عملی می گردد، بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأکید می نماید تا پروسه انتقال، امنیت و محافظت افراد ملکی را باید تقویت ببخشد. پروسه انتقال دست کم نباید منجر به کاهش حفاظت افراد ملکی گردد چون نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی افغانستان نیازمند نظارت، آموزش، اداره و مسؤولیت پذیری در مناطق که انتقال صورت می گیرد می باشد. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تأکید می نماید که پروسه انتقال عناصر

مهم از برنامه های گسترده ای مربوط به امنیت مردم را باید در بر داشته و احترام به حقوق بنیادی انسان ها، بخصوص حقوق زنان و کودکان را رشد داده و نهادینه سازد.

حکومت افغانستان، نیروهای بین المللی و مخالفین دولت به حیث طرفهای درگیر در منازعه مطابق به مقررات بین المللی مسؤلیت های واضح را در ارتباط به محافظت افراد ملکی دارند. بخش حقوق بشر یوناما و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان بار دیگر از طرفهای درگیر دعوت به عمل می آورد تا بالای افراد ملکی حمله نکنند، به حقوق بنیادی مربوط به حیات افراد ملکی در افغانستان احترام گذاشته و مقررات مشروع بین المللی مانند اصول تفکیک، تناسب و احتیاط در جنگها را بپذیرند، اصول که طرفهای درگیر را به حد اقل رساندن تلفات افراد ملکی مکلف می سازد.

پیشنهادات

پیشنهاد به عناصر مخالف دولت یعنی طالبان و دیگر گروههای مسلح مخالف دولت:

- هدف قرار دادن افراد ملکی به شکل فوری متوقف گردد. چون کارمندان ملکی دولت افغانستان و افراد ملکی که با نیروهای نظامی بین المللی کار میکنند مطابق به مقررات اسلامی و قواعد بین المللی از هر نوع حمله مصون میباشند، پس نباید کشته شوند، همچنان تمام فرامین که حملات و کشتن افراد ملکی را اجازه می دهد باید برگردانده شود.
- تطبیق و اجرای دستور العمل و رهنمود های که حمله بر افراد ملکی را منع می کند و تطبیق دستور العمل های که آن عناصر مخالف دولت را، که افراد ملکی را به قتل رسانیده و مجروح می سازد، مسؤل قرار می دهد.
- توقف تلفات افراد ملکی با پذیرش مقررات حقوق بین المللی بشر دوستانه که اصول تناسب، تفکیک و احتیاط در جنگ را در برمی گیرد.
- بررسی و گزارش دهی تمام حادثات که منجر به تلفات افراد ملکی گردیده و عامل آن عناصر مخالف دولت می باشند. گماشتن یک شخص مسؤل قابل اطمینان جهت شریک نمودن اطلاعات مربوط به تلفات افراد ملکی.
- توقف عاجل گونه های مختلف قتل و ارباب که بر اساس قانون اساسی، قوانین داخلی افغانستان، حقوق بین المللی بشر دوستانه و حقوق بشر بین المللی ممنوع قرار داده شده است. گونه های مختلف قتل و ارباب، ترور، اختطاف، تهدید، قطع عضو و گردن زدن را شامل می گردد.
- حصول اطمینان بر اینکه افراد ملکی بتواند به طور کامل از حق آزادی رفت و آمد شان مستفید شده و به سهولت های اولیه زندگی که شامل صحت، آموزش و پرورش می شوند، دست رسی داشته باشد.
- توقف فوری ایجاد پوسته های غیر قانونی که آزادی عبور و مرور افراد ملکی را محدود می سازد.
- توقف فوری استفاده افراد ملکی به حیث سپر انسانی که جنگجویان را ازین طریق در مقابل حملات حفاظت می کنند.
- توقف عاجل حملات بر مکاتب، تأسیسات صحتی و مساجد که بر مبنای حقوق بین المللی بشر دوستانه اینها از جمله مکان های بیست که باید محافظت گردد.

پیشنهاد به نیروهای نظامی بین المللی:

- به عهده گرفتن تحقیقات شفاف و منصفانه در مورد تمام حادثات که این نیروها عامل تلفات افراد ملکی می باشند. گزارش بدون تأخیر و همگانی در مورد جریان و نتایج تحقیقات و عکس العمل انضباطی و جنایی در مقابل افراد که در مورد نقض فاحش حقوق بشر بر مبنای مقررات بین المللی حقوق بشر و نقض شدید حقوق بین المللی بشر دوستانه، مسؤل قلمداد می گردد.
- حصول اطمینان از اینکه فرماندهان ساحوی، طرز العمل عملیاتی معیاری و رهنمود های تاکتیکی را در جریان استفاده از نیرو و حملات شبانه بطور کامل تطبیق نموده و با تقویت پروسه معیاری ساختن، دیده بانی شفاف و میکانیزم ارزیابی، تطبیق این رهنمود ها را ارزیابی کند.
- کاوش جهت بدیل مناسب برای حملات شبانه و حصول اطمینان بر اینکه تمام حملات جستجو و بازداشت یا تلاشی شبانه مشترکاً یا با هدایت نیروهای امنیتی افغان صورت می گیرد. عنعنات مذهبی، فرهنگی و سنتی افغان ها بطور کامل احترام شده و مسؤلیت های قانونی بین المللی از قبیل اصول تناسب، تفکیک و احتیاط در جنگ ها را

- تطبیق کنند. حصول اطمینان بر اینکه نیروهای امنیتی افغان و نیروهای بین المللی بر گه های تماس خیلی معیاری را به قربانی ها و اقارب بازداشت شده گان مطابق به رهنمودهای تاکتیکی تسلیم نماید.
- بهبود شفافیت در مورد حملات نیروهای ویژه امریکا تا این نیروها مسؤولیت آن حادثات را که مردم از اثر اعمال آنها متضرر می شوند، به شکل صریح بپذیرد.
- موضوعی که به نیروهای کمک امنیت بین المللی و تمام قوت های امریکا بشمول نیروهای عملیاتی ویژه امریکا ارتباط می گیرد همانا تأکید بر تطبیق رهنمود های غیر الزامی ناتو در مورد پرداخت جبران خسارات و ارایه طرز العمل عملی و مفصل برای ثبت تلفات افراد ملکی، اخذ درخواستها، انجام تحقیقات، و پیشنهاد اصلاحات در مورد جبران خسارات، عذرخواهی، همدردی و سایر اجراءات که بیانگر تکریم باشند، را در بر می گیرد.
- تطبیق دستور العمل عملیاتی معیاری که قواعد و مقررات متعارف را برای جمع آوری مدارک از محل بررسی و طرز العمل تسلیم دهی مدارک به مقامات افغان، طرح می نماید.
- بطور جامع بازنگری تمام تصامیم نیروهای کمک امنیت بین المللی و نیروهای امریکا به هدف حصول اطمینان جهت مطابقت آن تصامیم با حقوق بین المللی بشر دوستانه در ارتباط به عملیات های که منجر به تخریب ملکیت های افراد ملکی می گردد. کاوش و استفاده از ابزار و شیوه های بدیل که تخریب ملکیت و معیشت را به حد اقل رساند.
- حمایت تأسیس یک میکانیزم متناسب جهت نظارت بر ایجاد، استخدام و فعالیت های بخش پولیس محلی افغان بخاطر جلوگیری از خلاف کاری و اعمال غیر قانونی خارج از صلاحیت پولیس محلی و برای حصول اطمینان بر اینکه بخش پولیس محلی، مطابق به قواعد داخلی و بین المللی که شامل حقوق بشر و مقررات بین المللی بشر دوستانه می شود، عمل می کند.

پیشنهاد به حکومت افغانستان

- ایجاد یک ساختار مسلکی با ثبات و ذیصلاح دولتی که حادثات بزرگ تلفات افراد ملکی را رسیده گی نموده و اختیار داشته باشد تا با تمام جوانب ذیعلقه در مورد شریک ساختن اطلاعات، تحقیقات و دست آورد ها در مورد تلفات افراد ملکی، کار نماید.
- تطبیق طرز العمل معیاری جبران خسارات با روشهای متناسب، شفاف و بموقع، آگهی عمومی در باره طرز العمل ها در مورد افراد ملکی که از جنگ متأثر می گردد. که این مهم رویه های مربوط به جبران خسارات و پاسخ دهی را نیز شامل می گردد.
- چنانچه رهبری مسؤولیت امنیت از نیروهای نظامی بین المللی به قوت های افغان انتقال می نماید، ایجاد یک ساختار در میان اردوی ملی افغان تا به حیث یک بدنه مسؤول در مورد تلفات افراد ملکی کار کند، ضروری بوده و موضوعات چون مستند سازی، تحقیقات، پاسخ دهی و جبران خسارات را نیز بررسی نماید.
- نیروهای افغان با همکاری طرفداران بین المللی شان معیارهای را تقویت و تحقق بخشد که بر مبنای آن افراد ملکی که بالقوه برای ترور هدف هستند را محافظت کند.
- حصول اطمینان از اینکه نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی مسؤولیت های شان را بر اساس حقوق بین المللی بشر دوستانه به هدف حفاظت افراد ملکی و مد نظر گرفتن تمام اقدامات احتیاطی موجه بخاطر جلوگیری و به حد اقل رساندن تلفات افراد ملکی و جلوگیری از تخریب ملکیت افراد ملکی، بطور کامل احترام نماید.
- مدنظر گرفتن معیارهای شفاف و فوری به هدف نهادینه ساختن روحیه پاسخ دهی برای هر عضو نیروهای امنیتی افغان بشمول پولیس محلی. یعنی برای آنهای که به شکل غیر قانونی باعث کشته و مجروح شدن افراد ملکی یا سبب نقض حقوق شهروندی افغان ها می گردند، معیارهای انضباطی و تعقیب عدلی را نیز شامل می گردد.
- حصول اطمینان از اینکه تمام میکانیزم های بازداشت، تحقیق، تعقیب عدلی و محاکمه با استاندارد های ملی و بین المللی یک محاکمه بی طرف مطابقت داشته و هیچ شخصی بدون تحقیقات و تعقیب عدلی مناسب رها نگردد و آنها که مسؤول جنایت های شدید می باشند، در مقابل جنایات شان جواب ده باشند.
- به ملاها و رهبران با نفوذ مذهبی انگیزه داده شود تا طرف های منازعه را دعوت نمایند که به کشتن و مجروح ساختن افراد ملکی خاتمه داده و تأثیر جنگها بر افراد ملکی را کاهش دهد.